

باران کوچولو و فاطمه زهرا بوده شده بودند

بازگشت ۲ دخترک تهرانی به آغوش خانواده



گروه حوادث: دو دخترک ربوده شده در تهران پس از چند روز نگرانی به آغوش گرم خانواده‌هایشان بازگشتند. باران کوچولو در تجسس‌های پلیسی در خانه زنی مرز که رباینداش بود ردیابی شد و فاطمه زهرا را در حوالی شوش رها کرده بودند که پیداشد.

ربوده شدن باران کوچولو

زن فریبکار در پوشش مسئول یک خیره اقدام به ربودن باران کوچولو کرد و بعد از ۱۳ روز زندگی در کنار این دختر ۳ ساله از سوی مأموران تهران دستگیر شد. روز ششم بهمن ماه سال جاری زن جوانی در تماس با پلیس تهران از ربوده شدن دختر ۳ ساله‌اش به نام باران در میدان خراسان از سوی زن فریبکاری خبر داد و تیمی از مأموران اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران برای تجسس‌های ویژه وارد عمل شدند.

تحقیقات پلیسی

مادر باران در این لحظه هدف بازجویی مأموران قرار گرفت و گفت: چند روز قبل زنی با پوشش فریبکارانه به جلوی در خانه‌مان آمد و ادعا کرد در یک موسسه خیریه کار می‌کند و قصد کمک کردن به خانواده‌ها را داشت که گفتیم خانواده‌های دیگری هستند که نسبت به من نیازمندترند که این زن عنوان کرد آنها در لیست بعدی حضور دارند. وی افزود: پس از اعتمادسازی زن جوان شماره تلفنم را گرفت و روز ششم بهمن ماه به بهانه رفتن به خرید برای دخترم همراه زن ۴۵ ساله و باران به سمت میدان خراسان رفتیم. مادر باران کوچولو در حالیکه اشک می‌ریخت گفت: پس از خرید لباس برای دخترم

از دیدن دخترش بهت زده شده بود و باورش برایش سخت بود اما صداهای دخترش به او جان دوباره داد و به سمت دخترش دوید. مسافر و دختر کوچولو در آغوش هم اشک می‌ریختند و باران فقط به چهره مادرش نگاه می‌کرد که در این صحنه مادر جوان که از خوشحالی قدرت ایستادن روی پاهایش را نداشت روی زمین نشست و فقط دخترش را صدامی زد. پدر باران با اشک صدامی زد «باران بابا، دخترم، خدا یا شکر» مرد افغان وارد اداره یازدهم شده بود و در حالیکه همسرش، باران را در آغوش داشت اشک می‌ریخت و او همه مأموران تشکر و قدر دانی می‌کرد و می‌گفت دست همه شما را می‌بوسم که دخترم را پیدا کردید. پدر جوان دیگر طاقت نیامد، روی زمین نشست و دخترش را در آغوش گرفت و خدا را شکر می‌کرد. این صحنه‌های احساسی و ماندگار در حالی بود که زن فریبکار در یکی از اتاق‌های اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران شاهد دلگونی و آرامش پدر و مادر و دختر کوچولو بود.

دستگیری زن کودک‌ربا

تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه کار آگاهان با اقدامات فنی و ردیابی‌های اطلاعاتی پی بردند که زن فریبکار پس از ربودن باران کوچولو به خانه‌ای در منطقه سعادت آباد رفته و با باران زندگی می‌کند. همین کافی بود تا مخفیگاه زن فریبکار در منطقه سعادت آباد تحت نظر قرار گیرد و با مماند پنجشنبه ۱۸ بهمن ماه سال جاری در عملیاتی غافلگیرانه موفق به دستگیری زن ۴۵ ساله در خانه‌اش شدند و باران سه‌ساله‌اش نیز از اسارت نگاه این زن کودک‌ربا صحیح و سالم نجات پیدا کرد.

آرامش باران در آغوش مادر

صبح پنجشنبه باران کوچولو که از دست زن فریبکار نجات پیدا کرده بود با هیچ‌کس صحبت نمی‌کرد و تنها با یکی از خانواده‌های دیگری هستند که نسبت به من نیازمندترند که این زن عنوان کرد آنها در لیست بعدی حضور دارند. وی افزود: پس از اعتمادسازی زن جوان شماره تلفنم را گرفت و روز ششم بهمن ماه به بهانه رفتن به خرید برای دخترم همراه زن ۴۵ ساله و باران به سمت میدان خراسان رفتیم. مادر باران کوچولو در حالیکه اشک می‌ریخت گفت: پس از خرید لباس برای دخترم

یک دختر بور باموهای طلایی باشد. در زمان تحویل گرفتن باران پولی هم پر داخت شد؟

یک میلیون و ۵۰ هزار تومان به زن جوان دادم که برای کمک به مادر بزرگ باران دهد.

مادر بزرگ باران؟!

بله، زن جوان گفته بود که پدر باران شیشه‌ای است و مادرش نیز فوت کرده حتی پدرش یکی دیگر از فرزندان را به خانواده‌ای فروخته است و باران در کنار مادر بزرگش زندگی می‌کند و مادر بزرگش از ترس اینکه پدر افیونی باران او را نکند حاضر شده با پول کمی و برای آینده‌نموش او را به خانواده‌ای تحویل دهد.

در این مدت از رسانه‌ها متوجه نشدی که باران را راندیدند؟

نه، از همان روز ابتدا برای باران برنامه کودک می‌گذاشتم و هیچ اطلاعی از ربوده شدن باران نداشتم.

چرا دوست داشتی یک دختر داشته باشی؟

من بیگناهم و من در زمان سرقت نبودم و اطلاعی از ربوده شدن باران نداشتم. **گفت و گو با زن فریبکار** زهرا ۴۵ ساله، صدایش می‌لرزید و از همان ابتدا تاکید می‌کرد چون دوست داشتم دختر داشته باشم باران را به سرپرستی قبول کردم و هیچ اطلاعی از ربوده شدن او نداشتم.

از دواج کردی؟

بله.

صاحب فرزند هستی؟

بله یک پسر ۲۰ ساله دارم.

همسرت با آوردن بچه مشکلی نداشت؟

نه، حتی ۲ سال قبل بچه‌دار شدم اما بچه‌ام سقط شد.

چرا باران را دیدی؟

من نزدیک دیدم و نمی‌دانستم او را ربوده باشند.

اما باران داخل خانه شما پیدا شده؟

بله، من قصد بزرگ کردن او را داشتم و نمی‌دانستم او را ربوده‌اند.

باران را از چه کسی گرفتی؟

یکسال است که به بهزیستی می‌رفتم اما موفق نشدم به همین خاطر به خیلی‌ها گفتم اگر دختر بچه‌ای سراغ داشتند که خانواده‌شان نمی‌توانند آن را بزرگ کنند در اختیار من قرار دهند که در این مدت خیلی‌ها به بهانه‌های مختلف از من پول گرفتند اما هیچ اتفاقی نیفتاد تا اینکه مدتی قبل زنی ادعا کرد دختر بچه‌ای با مشخصاتی که من می‌خواستم پیدا کرده به همین خاطر او را تحویل من داد.

چه شرایطی برای بچه گذاشته بودی؟

ممنونم.

باران کوچولو او هم پیداشد. شامگاه سه‌شنبه ۱۶ بهمن ماه سال جاری فاطمه زهرا ۱۸ ماهه همراه خواهر ۴ ساله همراه پدر و مادرشان به خانه پدر بزرگشان در نزدیکی میدان شوش تهران رفتند و همه سرگرم برگزاری جشن عقد دایی فاطمه زهرا بودند که پدر دختر کوچولو تصمیم می‌گیرد برای خرید شام از خانه خارج شود.

فاطمه زهرا شروع به گریه کرد و دوست داشت همراه پدرش از خانه خارج شود که پدر جوان در حیط خانه فاطمه زهرا را کنار خواهر ۴ ساله‌اش می‌گذازد و از خانه خارج می‌شود و بعد از دقایقی با ظرف‌های غذا به خانه بازمی‌گردد.

همه سرگرم آماده کردن شام بودند که پدر فاطمه زهرا متوجه غیبت دختر ۱۸ ماهه‌اش می‌شود و همه سراسیمه به خیابان‌ها می‌روند و به جست‌وجوی فاطمه زهرا می‌روند اما هیچ اثری از دختر کوچولو نبود.

همین کافی بود تا تیمی از مأموران اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس پرونده برای پیدا کردن دختر کوچولو وارد عمل شوند.

تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه شامگاه چهارشنبه پدر فاطمه زهرا در تماس با مأموران پلیس تهران از پیدا شدن دخترش در نزدیکی خانه پدرزنش یاد داد.

صبح پنجشنبه ۱۸ بهمن ماه سال جاری حسین غریب‌زاده همراه دختر ۱۸ ماهه‌اش پستی در اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران گذاشت و به خبرنگار ما گفت: بعد از ناپدید شدن دخترم به هر جا که احتمال می‌دادیم سرکشی کردیم اما خبری نبود و توجه به انتشار عکس دخترم در شبکه‌های مجازی و رسانه‌های خبری ۲ نفر با ما تماس گرفتند و ادعا شدند که دخترمان را به عنوان کودک کار در خیابان ولیعصر و چهارراه کوکاکولادیده شده‌بود.

پدر فاطمه زهرا در ادامه اظهاراتش افزود: ما در این ۲ منطقه به هر کس که عکس فاطمه زهرا را نشان دادیم می‌گفتند بعل یک مرد بوده که از آن به عنوان کودک کار استفاده می‌کرد.

وی گفت: ما بعد از گذشت ۲۴ ساعت از گم شدن فاطمه زهرا در خانه نشسته بودیم که متوجه صدای صلوات فرستادن فامیل و آشنایانمان شدیم که دقایقی بعد متوجه شدم فاطمه زهرا را پیدا کردند و به خانه آوردند.

فاطمه زهرا در شرایط کاملاً سالم بدون هیچ آثار ضرب و جرح در نزدیکی همان منطقه رها کرده بودند که به دست داماد و برادر زن پدر فاطمه زهرا پیدا شد.

شده در تهران بود که هم‌زمان با ردیابی

مسیر مرا مسدود کردند؛ در همین زمان، یک پراید با چند سرنشین جوان به محل رسید و بدون هیچ صحبتی بان چهار موتورسوار درگیر شدند؛ پس از دقایقی آن دو نوجوان مسافر من به همراه سرنشینان پراید محل را ترک کردند؛ آن چهار موتورسوار نیز که زخمی شده بودند برای درمان به بیمارستان رفتند. با بررسی تصاویر به دست آمده از دوربین‌های مدار بسته، تصاویر عاملان درگیری در نزاع و درگیری شناسایی شد اما این

تنها سرخ بود و بعد از گذشت این مدت هیچ ردیابی از قاتلان فراری به دست نیامد.

انتشار عکس فراری‌ها

با توجه به بن بست تحقیقاتی قاضی شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی و انقلاب خاوران با تقاضای انتشار تصاویر فراری‌ها از کسانی که این پسران را می‌شناسند خواست تا با ۵۱۰۵۴۲۸ تماس گرفته و مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران را در جریان قرار دهند.

تنها سرخ بود و بعد از گذشت این مدت هیچ ردیابی از قاتلان فراری به دست نیامد.

با توجه به بن بست تحقیقاتی قاضی شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی و انقلاب خاوران با تقاضای انتشار تصاویر فراری‌ها از کسانی که این پسران را می‌شناسند خواست تا با ۵۱۰۵۴۲۸ تماس گرفته و مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران را در جریان قرار دهند.



تنها سرخ بود و بعد از گذشت این مدت هیچ ردیابی از قاتلان فراری به دست نیامد.

با توجه به بن بست تحقیقاتی قاضی شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی و انقلاب خاوران با تقاضای انتشار تصاویر فراری‌ها از کسانی که این پسران را می‌شناسند خواست تا با ۵۱۰۵۴۲۸ تماس گرفته و مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران را در جریان قرار دهند.

اخبار حوادث

مخالفتی شدن باند ۳ نفره

زن جیب بر

سه زن جیب بر که در جنوب تهران جولان میدادند توسط پلیس شناسایی شدند.

سرهنگ دوست علی جلیلیان سر کلانتر هفتم گفت: با مراجعه تعدادی از زنان به کلانتری جوادیه مبنی بر سرقت اموالشان از قبیل گوشی همراه و پول هنگام خرید از بازار، تیمی از مأموران کلانتری شناسایی و دستگیری در زمان رادر دستور کار قرار دادند.

سر کلانتر هفتم با بیان اینکه در بررسی پرونده‌ها مشخص شد که سرقت‌ها در محدوده بازار بلور فروشان و خیابان صابونیان اتفاق افتاده است، ادامه داد: در تحقیقات پلیسی مشخص شد که سرقت‌ها توسط سه زن که یکی از زنان و دو زن دیگر جوان هستند، انجام شده است و تعدادی از طعمه‌ها توانسته‌اند، چهره سارقان را به خاطر بسپارند.

این مقام پلیسی تصریح کرد: در زمان از شلوغی بازار سوءاستفاده می‌کردند و باتنه‌زند و همکاری با یکدیگر اموال افرادی که برای خرید به آن محل مراجعه کرده بودند را از جیب شان سرقت می‌کردند.

سر کلانتر هفتم بیان داشت: گشت زنی های محسوس و نامحسوس توسط مأموران عملیات کلانتری ۱۱۷ جوادیه آغاز تا اینکه مأموران موفق شدند، سارقان را هنگام پرسه زنی مشاهده و بلافاصله آنان را دستگیر کنند.

سرهنگ جلیلیان افزود: جیب‌بر هادر کلانتری به ۲۲ سرقت با همکاری یکدیگر اعتراف کرده‌اند و هر سه زن جیب بر با دستور باز پرس پرونده روانه زندان شده‌اند.



سرقت از خانه خاله باباس زاناه

دو پسر که با پوشش زنانه به خانه خاله دستبرد زده بودند به نام پلیس گرفتار شدند. تجسس‌ها نشان داد یکی از درزبان خواهر زاده زن تهرانی بود.

سرهنگ سعید لیشینی رئیس کلانتری جنت آباد در توضیح این خبر، بیان داشت: روز چهاردهم بهمن ماه سال جاری، راس ساعت ۱۲ و نیم ظهر بود که طی تماس تلفنی از سوی خانمی، مأموران در جریان یک فقره سرقت از منزل در این محدوده قرار گرفتند و سریعاً به محل برای انجام تحقیقات اعزام شدند.

رئیس کلانتری ۱۳۸ جنت آباد، گفت: بنابر شواهد موجود، دو دزد بدون تخریب در ورودی وارد خانه شده‌اند و پس از سرقت ۳ سرویس طلای کامل، یک دستگاه بی اس فور و غیره از محل گریخته‌بودند.

وی عنوان کرد: در تحقیقات پلیسی ردیابی یکی از اقوام صاحب خانه قوت گرفت و مأموران پلیس با دستور قضائی، وی را هنگام خروج اموال سرقتی از مخفیگاهش به همراه دیگر همدستش دستگیر کردند. این مقام انتظامی با بیان اینکه متهمان هنگام دستگیری سعی کردند از محل متواری شوند، افزود: در تعقیب و گریز صورت گرفته، هر دو دزد دستگیر شدند.

کلانتر محله جنت آباد افزود: در تحقیقات پلیسی مشخص شد یکی از متهمان خواهرزاده مالیخته‌است که با استفاده از یک کلید که از قبل تهیه کرده بود، وارد خانه شده و برای پنهان ماندن هویتش با استفاده از پوشش زنانه اقدام به این سرقت با همکاری همدستش کرده‌بوده‌است.

این مقام مسئول با اشاره به اینکه دزد از محل دقیق اموال قیمتی با خبر بود، اظهار کرد: این دزد ۲۶ ساله که با اقدام به موقع پلیس در سرقت از خانه خاله‌اش ناکام مانده، پنج شب قبل از وقوع جرم به خانه خاله‌اش به عنوان میهمان مراجعه کرده که در آنجا نیم ساعت کلید خانه گم و همین موجب شک مالیخته به خواهرزاده‌اش می‌شود. وی ابراز داشت: ارزش طلاهای به سرقت رفته از این خانه ۸۰ میلیون تومان است که کلیه اموال سرقتی به مالیخته بازگردانده شد. بنابراین گزارش هر دو دزد که به مواد مخدر از نوع گل اعتیاد دارند، پس از تشکیل پرونده در اختیار مقام قضائی قرار گرفتند.



قتل فجیع یک زن در پارک سنندج

مردی با چندين ضربه محکم آجر زنی را در پارک سنندج به قتل رساند. یکی از اهالی محل که سسر صحنه قتل حاضر بود گفت: قاتل پس از ضرب و شستم زن جوان با ضربات متعدد چاقو از مرگ وی مطمئن شد. وی می‌گوید: وقتی مردم حاضر در محل به کمک مقتول شتافته‌اند، قاتل مدعی شده که این زن همسر خودش است و نباید کسی جلو بیاید و مردم را هم با چاقو تهدید به مرگ کرده‌است و پا به فرار می‌گذازد. پلیس سنندج ساعاتی بعد از دستگیری قاتل داخل شهر سنندج خبر داد.

خبر

قاضی پرونده قتل از مردم کمک خواست

بن بست در جنایت خونین ۱۶ ساله‌ها

تنهاسرنخ

با ادامه تحقیقات و بهره‌گیری از تصاویر دوربین‌های مدار بسته، کار آگاهان موفق به شناسایی صاحب پیکان شدند و در تحقیقات از وی مشخص شد این مرد در شب درگیری به صورت در بست اقدام به سوار کردن دو نوجوان به عنوان مسافر کرده و هیچ دخالتی در نزاع و درگیری مرگبار نداشته‌است.

راننده پیکان که هنوز باور نمیکرد ناخواسته در صحنه قتل حضور داشته‌است به کار آگاهان گفت: مقابل شهر بازی قیام دشت منتظر مسافر ایستاده بودم که دو نوجوان حدوداً ۱۵ ساله به من مراجعه کردند و درخواست خودروی در بست به مقصد شهرک صنعتی قیامدشت کردند در بین راه آنها مرتب با تلفن همراه خود صحبت می‌کردند و به نظر می‌رسید که با گروهی در حال قرار گذاشتن هستند؛ ورودی شهرک صنعتی قیام دشت بود که سرنشینان دو موتورسیکلت

درگیری ادامه داشت به کلانتری ۱۷۴ قیامدشت اعلام شد که یکی از زخمی‌ها به نام جواد الف ۱۸ ساله به علت شدت جراحات و اصابت چاقو به ناحیه سینه از پای در آمده‌است. با جنایات شدن این درگیری مرگبار با دستور قاضی شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی و انقلاب خاوران، پرونده برای ادامه تحقیقات در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

کار آگاهان جنایی در تحقیقات ابتدایی اطلاع پیدا کردند که جواد به همراه سه تن از دوستانش قصد درگیری با سرنشینان یک پیکان را داشتند که در زمان آغاز درگیری، ناگهان سرنشینان یک پراید در محل درگیری واقع در ابتدای ورودی شهرک صنعتی قیامدشت حاضر شده و سرنشینان آن با چاقو به آنها حمله‌ور شده‌اند. آنها رضا و دوستانش را با چاقو زخمی کرده‌اند و پس از آن پا به فرار گذاشته‌اند.

قرار مرگ

ساعت ۲۳:۳۰ شامگاه دوم تیرماه سالجاری درگیری خونین گروهی پسر خشمگین در ابتدای ورودی شهرک صنعتی قیامدشت عاقبت شومی را رقم زد. وقتی این ماجرای وحشتناک به کلانتری ۱۷۴ مخابره شد دقایقی بعد با حضور مأموران در صحنه درگیری مشخص شد چند نوجوان ۱۸ ساله هدف ضربات خونین چاقو قرار گرفته‌اند. این جوانان نیمه‌جان بلافاصله به بیمارستان انتقال دادند و با وجود انجام اقدامات پزشکی، صبح روز بعد در حالی که تجسس‌ها برای ردیابی عاملان

قرار شوم که فراری‌اند تحت تعقیب ویژه پلیس جنایی تهران قرار گرفتند.

هیچ‌کس نمی‌داند قاتلان چه کسانی هستند؟ چه انگیزه‌ای داشتند؟ و تنها عکس آنها در اختیار پلیس است.